

زیر درخت - بلوط

مردم، تاریخ و طبیعت روستای سرسختی علیا

جمشید اثناعشری

سرشناسه: اثناعشری، جمشید، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدارآور: زیر درخت بلوط، مردم، تاریخ و طبیعت روستای سرسختی علیا / جمشید اثناعشری:
ویراستار اسماعیل آریانی
مشخصات نشر: تهران: آریاداد، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۴۲۸ ص. مصور، عکس، نمونه.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۱۳-۴۴-۴: ۳۰۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: سرسختی علیا
Sarsakhti Olya (Iran)
رده بندی کنگره: DSR ۲۰۹۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۹۴۷۹۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

زیر درخت بلوط

مردم، تاریخ و طبیعت روستای سرسختی علیا

نویسنده: جمشید اثناعشری

ناشر: انتشارات آریاداد

چاپ نخست - زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طراح روی جلد: امیرالله فرهادی آردکپان

ویراستار: اسماعیل آریانی

مدیر هنری: جواد رضایی

امور فنی: خانه نشر

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۱۳-۴۴-۴

● سخن ناشر

«وقتی گام‌های معلق ذهن را تا بیرون خود در جست‌وجوی «هویت» بدرقه کنی، وقتی سمند اندیشه هوس بلندپروازی داشته باشد، وقتی روی خود پا بگذاری و از ورای کالبدی که هستی به بیرون نگاه کنی، آنوقت درمی‌یابی که سن زندگی‌ات را در شناسنامه ثبت نکرده‌اند. برسبیل اتفاق اما وابسته به سلسله‌ای آشنا «اینجا» زاده‌شده‌ای. اینجاست که طعم کلمات عوض می‌شود و معانی آن با مسخ‌شدگی در مفاهیمی دیگر حلول می‌یابد. اینجاست که زبان تنها آمیزه‌ای از کلمات برای انتقال مفاهیم نیست، اینجاست که بازی کودکانه بر حکمتی برآمده از نیایی ندیده تاویل می‌شود و سنت‌های رو به زوال این زندگی همچون خاطره‌ای ازلی در ذهنت جان می‌گیرد. قوت و غذا قدر مشترک همان ذائقه‌ای می‌شود که در درازنای تاریخ تلخ و شیرین را چشیده‌اند و ثمره این چالاک پریدن‌هاست که در آن عطف‌های پرشمار پیرامونی ما را از نقطه اکنون به دیرینه‌ای تا نمی‌دانم آن کجای زمان گره می‌زند و من با آنهمه تاریخ ندیده یکی می‌شوم. آن تاریخ می‌شود «من» و آن «خودی» که همواره در پی‌اش بوده‌ام. این غایت توصیف من از کتاب «زیر درخت بلوط» است.

وقتی نویسنده ارجمند جناب آقای دکتر جمشید اثناعشری طی مکالمات نخستین در توصیف چرایی انتشار چنین کتابی این متن را برایمان ارسال کرد، می‌دانستیم که متن مکتوب باید فراتر از یک «مونوگرافی» منطقه‌ای در توصیف ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک منطقه با آداب و رسوم آن باشد. و الحاق چنین بود. سوال این بود که چرا باید در این زمانه عسرت وقت نویسنده و خواننده مصروف چنین اثری شود؟ پاسخ این است که موعد تاریخی انتشار چنین آثاری همین زمانه گرفتاری است. روزگاری که در آن «بی‌خودی» بر ذهنمان حکومت می‌کند و ناامیدانه به هر آنچه که رخ می‌دهد می‌نگریم. به‌راستی کدام زمان از این «زمانه عسرت» برای بازخوانی و بازشناسی خودمان مناسب‌تر است؟ در این کتاب شاهد «نگاهی معاصرانه» به سرسختی علیا هستیم. نگاه عصری، در این دوره تاریخی که مشحون از آفات غوطه‌وری میان سنت‌ها و گذر از آنهاست. عصری که در آن با شکوفایی‌های پی‌درپی فناوری شیوه زیستن تغییر و تحولی سریع داشت و از ابتدای قرن تا انتهای آن بسیاری از سنت‌ها، ابزارها،

اسامی و عادت‌ها و همه آنچه در آمیخته با زندگی روزمره سویه‌ای به درازنای تاریخ داشت، به حسب نوشدگی تمدنی، شکلی کهن به خود گرفت و از متن زندگی بسیاری رخت بر بست. احیای نام همه آنها در اتصال به اشخاص و افرادی که آن شیوه از زندگی را زیسته‌اند و اتصال و ادامه دادن آن تا نسل نوآمده امروز که شاید هیچ ذهنیتی از آن گذشته ندارد، بیان پیچیدگی و از ظرایف و اوج‌های این کتاب است که می‌تواند در جایگاه ایفای وظیفه فرهنگی عطف معاصرانه به تاریخ تلقی شود.

به تعبیری بواقع نویسنده به دنبال نشان دادن فهمی از «خود» و «هویت» در معنایی دیگر است که با توصیف بسیاری از موضوعات خرد و کلان، عواطف و بازی‌ها، به توصیف و تفسیر محیط پیرامونی پرداخته و به تماشای افراد در کتاب برکنار از پیش‌داوری‌ها نشسته در عین حال که در این مشاهده به ملاحظه‌های اخلاقی و ساختارهای نهادی و بسیاری مناسبات و خرده فرهنگ‌ها توجه نموده است.

این کتاب، حاصل ممارست و مذاقه جناب آقای دکتر جمشید اثنا عشری است که از پس سال‌ها پژوهش و انتشار بیش از ۱۴ عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و توسعه، هوای بار و دیار کرده و دل سپرده و شیدا به دوران پختگی سودازده بر نقشه پر نقش روستای پدری، «سرسختی علیا» چشم دوخته و این کهن دیار را دستمایه پژوهش انسان شناختی خود قرار داده است.

این اثر پژوهشی، منضم استعدادهای، ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها، تمایزها و قوت و ضعف‌های موجود در یک جامعه انسانی است، مطالعه مردمی که یک جغرافیای فرهنگی - تاریخی زیستگاه آنان است، و تلاش می‌کند شناخت و نگاه عالمانه‌ای به خویشتن و فرهنگ زیسته در آن منطقه بدهد و در عین حال این نگاه را تقویت کند که از رهگذر همین شناخت‌هاست که ارتقاء و توسعه ممکن می‌شود.

نکته قابل توجه دیگر اینکه کتاب حاضر، مردم نگاری با روش کیفی است. روشی که محقق با توجه به زندگی روزمره افراد جامعه مورد مطالعه، توجه دقیق به تعبیر و تفسیر دنیای آنان، طرح‌ریزی جهان‌بینی پیچیده زندگیشان، در نظر گرفتن ارزیابی فرضیه‌ها، تعبیر و تفسیر در طول کار پژوهشی و نهایتاً تحلیل و نتیجه‌گیری را از ضرورت‌های آن می‌داند. فرآیندی که در این کتاب از سوی نویسنده اعمال شده، شناخت و مشاهده از درون و گفت‌وگو و مطالعه در دنیایی زیسته تلقی می‌شود به انضمام فهرستی از منابع که در ارجاعات آن آمده است.

نگاه توسعه‌گرایانه نویسنده به واسطه پیشینه علمی موجب شده که این کتاب بتواند از سویی، در فهم بسیاری از نکات نیکوی فرهنگ جامعه موثر باشد و از سوی دیگر، در رفع نکات منفی که باعث بی‌هنجاری و ناامنی و در نهایت مانع پیشرفت و توسعه جامعه می‌شود، مفید واقع شود.

انتشارات آریاداد

● فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل نخست / تاریخ باستانی و جغرافیا
	مختصات زمین‌شناسی ۱۸
	موقعیت جغرافیایی ۲۰
	تپه تاریخی ۷۵۰۰ ساله ۲۳
	تصاویر تپه باستانی قلاع ۲۷
	محدوده قدیم روستا ۳۳
	راه‌های ارتباطی ۳۵
	نام‌گذاری ۳۸
	سبک معماری در روستا ۴۰
	اتفاقات تاریخی ۴۴
	جمعیت ۵۷
۵۹	فصل دوم / مالکیت و مدیریت
	مالکیت در روستا ۶۰
	کدخدا ۶۵
	طوایف ۶۹
	اصلاحات اراضی در سرسختی ۷۱

	مدیریت در روستا ۷۳
	نخستین نماینده ۷۵
	اجباری ۷۷
۸۵	فصل سوم / کشاورزی و باغداری
	کشاورزی ۸۶
	باغداری ۹۸
	دامداری ۱۰۴
	کودکان کارگر و دامدار ۱۰۶
۱۰۹	فصل چهارم / مشاغل
	خانه‌داری ۱۱۰
	تولید خانگی ۱۱۱
	سایر مشاغل ۱۲۶
	دکانداران ۱۳۷
	صنایع دستی ۱۵۵
	مشاغل نسل مهاجر ۱۶۳
۱۷۹	فصل پنجم / آموزش و فرهنگ
	آموزش ۱۸۰
	روحانیان ۱۸۲
	مدارس ۱۸۶
	آموزگاران ۱۸۸
	شاعران ۱۹۰
۲۰۱	فصل ششم / فرهنگ، سنت‌ها و سرگرمی‌ها
	آیین‌های نوروزی ۲۰۲
	پوشش و لباس ۲۰۹
	ازدواج ۲۱۱
	بازی‌ها ۲۴۲
	بازی‌های پسرانه ۲۴۲
	بازی‌های دخترانه ۲۶۳
	بازی‌های مدرن ۲۶۷
	چشم‌ها ۲۶۹

مراسم دینی و مذهبی ۲۷۹

غذاهای محلی ۲۸۷

دخانیات ۲۹۴

۲۹۵

فصل هفتم / امور زیربنایی

آب شرب ۲۹۶

سم پاشی و ریشه‌کنی مالاریا ۲۹۸

برق رسانی ۲۹۹

دفتر مخابرات ۳۰۰

لوله‌کشی گاز ۳۰۱

مساجد روستا ۳۰۱

غسالخانه ۳۰۷

قبرستان ۳۰۷

مزار شهدا ۳۰۹

۳۱۱

فصل هشتم / نام‌آوران

مشاغل اداری و خدماتی ۳۱۲

کارمندان نخست وزیری و دربار ۳۱۳

شهیدان ۳۲۶

جانبازان ۳۳۸

آزادگان ۳۴۴

سرآمدان علمی ۳۴۶

پزشکان ۳۶۳

کادر بهداشت و درمان ۳۷۵

نظامیان ۳۷۹

ورزشکاران ۳۹۶

اهل قلم و رسانه ۴۰۷

رسانه‌های روستا ۴۱۲

افراد خوش‌صدا ۴۱۸

۴۱۹

فصل نهم / تصاویر

۴۸۲

منابع

● مقدمه

ایران پهناور سرزمین اقلیم‌ها، اقوام و فرهنگ‌های گوناگون است. مردمان این سرزمین اگر چه مشترکات فرهنگی، زبانی و مذهبی فراوان دارند، در عین حال در تعامل با طبیعت و از رهگذر رخداد‌های تاریخی، خرده‌فرهنگ‌های پرشماری را نیز پدید آورده‌اند، تا بدان اندازه که گاه اهالی دو روستای مجاور هم، به رغم یکسانی و اشتراکات فرهنگی، زبان یا گویش و آداب و رسوم خاص خود را دارند.

در عصری که موجبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، توسعه و تنوع شگرف رسانه‌ها، یکی‌شدن و همسانی همه‌جانبه فرهنگی و زیستی را پدید آورده، کوشش شایسته و پربهایی است که اهل فکر و فرهنگ برای نگهداری میراث گرانبهای مردمان جای‌جای این سرزمین دست به قلم شده و به ثبت و ضبط آنها بکوشند. خوشبختانه چنین حرکت ارزشمندی توسط اهالی علم و فرهنگ در حال انجام است.

جناب آقای دکتر جمشید اثناعشری یکی از آنانی است که هم دغدغه فرهنگی و هم دلبستگی، مهر و تعهد به زادگاه پدری، «روستای سرسختی‌علیا» دارند. ایشان در کتاب «زیر درخت بلوط» به نیکی به خاستگاهشان ادای دین کرده‌اند و نکات ارزشمندی را درباره تاریخ، طبیعت و جامعه روستایی سرسختی‌علیا برای آیندگان به یادگار گذاشته‌اند. تلاششان ستوده باد.

ابراهیم اصلانی

عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه اراک

● پیشگفتار

سرسختی علیا یکی از ۶۴۲۸۴ آبادی این مملکت و یکی از ۱۲۷۱ روستای دارای سکنه استان مرکزی متعلق به بخش مرکزی شهرستان شازند است که چندان که در صفحات آتی (در بخش تپه باستانی قلاع) اشاره خواهد شد، تقریباً پیشینه‌ای معادل هفتاد و پنج قرن، یعنی هفت‌هزار و پانصد سال دارد.

تپه باستانی قلاع سرسختی در سال ۱۳۸۱ ه.ش ثبت ملی و در ۱۳۸۷ ه.ش تعیین حریم و در ۱۳۹۱ ه.ش لایه‌نگاری اولیه شد. در سال ۱۳۹۵ ه.ش باستان شناسان اسکلت مردی بلند قامت را با تعدادی از لوازم زندگی که همراه و در کنار او دفن شده بود، کشف کردند و برای آنان مشخص شد که این اسکلت مربوط به ۷۵۰۰ سال پیش است.

از آن روز، نام روستای سرسختی علیا به‌عنوان «روستای ۷۵۰۰ ساله» وارد رسانه‌های مکتوب و سپس مجازی شد و معلوم شد که این روستا بیش از ۷۵ قرن تاریخ دارد و دریغ از ۷۵ سطر مطلب در مورد این تاریخ و آنچه بر مردمان ساکن آن گذشته است.

برای مردم‌نگاری سرسختی علیا با جدی‌ترین مانع که کمبود مستندات در این زمینه بود، مواجه شدم. در میان اسناد در دسترس اهالی کنونی سرسختی علیا، اسناد معاملاتی مربوط به دوران پادشاهی سلسله‌های قاجار، زند و افشار هم وجود دارد که در بخش اسناد و تصاویر در انتهای کتاب برخی از آنها ارائه شده‌اند؛ ولی در مورد زندگی این مردمان، تاکنون سند معتبری حداقل به دست بنده نرسیده است و بدیهی است که این مهم به تنهایی می‌تواند مانع نگارش مردم‌نگاری یک روستا شود.

محدوده زمانی مردم‌نگاری کتاب را قرن چهاردهم هجری در نظر گرفتم. هنوز هم پیران سالخورده‌ای در سرسختی علیا زندگی می‌کنند که بیش از نود سال و بعضی از آنان حتی نزدیک به صد سال عمر دارند؛ مانند حبیب الله اقبالی، فرزند شیخ عبدالله که هم‌اکنون صد سال دارد و در قید حیات است.

شنیده‌های اینان و آنچه از گذشتگان در مورد سرسختی علیا و پیشینه آن شنیده‌ام، مضاف بر مشاهدات، داشته‌ها، دانسته‌ها و تجربه معاشرت و زندگی با اهالی و ساکنان روستا در مرز شصت سالگی‌ام، مواد اولیه تهیه این کتاب شد.

نگارش این کتاب که می‌تواند نگارش سرنوشت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ساکنان سرسختی علیا در صدسال منتهی به قرن پانزدهم هجری شمسی باشد، نوعی انجام وظیفه و ایفای مسئولیت است.

نگاشت و انتشار این کتاب گام اول برای به دست دادن چهره‌ای از کالبد کهن و جان برنا و زایای سرسختی است؛ که احتمالاً گام‌های بعدی را به دنبال خود خواهد داشت.

گفتنی است که پرداختن به زوایای مختلف زندگی مردم این روستا، موقعیت جغرافیایی، تولیدات کشاورزی و دامی، شیوه کاشت، داشت و برداشت محصول، تولیدات خانگی، آداب و رسوم، فرهنگ، آیین‌ها، مراسم، مشاغل مختلف و متعدد اهالی، شخصیت‌های مؤثر و فراز و نشیب‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان روستا و تمامی آنچه از این روستا موجود و قابل مطالعه است، مأموریت اصلی این کتاب است. گمان دارم که رعایت این نوع نگاه می‌تواند دیدگاه و تصویر جامع‌تری به خواننده محترم بدهد.

مسیر فرهنگ، مسیر فراموشی است و چنان که افراد می‌میرند و فراموش می‌شوند، کلمات نیز می‌میرند، واژگان به فراموشی سپرده می‌شوند، آئین‌ها، رسم‌ها، رفتارها و بازی‌ها، به سرعت از یاد می‌روند و شاید این فراموشی فرهنگی، ناشی از تغییر سبک زندگی و سرعت بالای تکنولوژی نسبت به سرعت فرهنگ است.

در گذشته افراد به «بودن» افتخار می‌کردند که «چه» و «که» بوده‌اند، از کدام ایل، تبار و طایفه بوده‌اند و درواقع «بودن» مهم بود. حال آنکه در این روزگار «شدن» مهمتر از «بودن» است. اینکه هر شخص «که» بوده چندان مهم نیست، بلکه مهم آن است که چه «شده» است. مسیر طولانی و بسیار دشواری ست پیمودن فاصله «بودن» تا «شدن» و افرادی که در این کتاب به عنوان نخبه علمی، استاد دانشگاه، پزشک، نظامی، شهید، جانباز، آزاده، ورزشکار و صاحب موقعیت‌های شغلی خاص مورد اشاره واقع شده‌اند، از جمله افرادی‌اند که «شده‌اند»، ضمن آنکه برخی واجد هر دو ویژگی‌اند، یعنی هم به آنچه «بوده»‌اند می‌بالند و هم به آنچه «شده»‌اند.

بنده در فرایند تأمین محتوای کتاب، به نوعی استخراج مطلب و کشف اطلاعات کرده‌ام و در بسیاری از موارد با بیش از چهل - پنجاه نفر از پیران و سالخورده‌گان روستا مذاکرات، مکالمات و ملاقات‌های حضوری داشته‌ام، تا به یک واقعیت، یک نام، یک رسم، یک بازی، نام یک ابزار



دست یابم و البته یافته ام را در صحبت با دیگران راستی آزمایی کنم تا به اطمینان برسم. در فرایند تأمین محتوا و غنابخشی به این کتاب، دوستان و همراهان بزرگواری، بیدریغ و درنگ یاری‌ام کردند که از یکایک آنان بسیار سپاسگزارم.

آقایان دکتر سعید علیخانی، دکتر فریبرز مسعودی، دکتر غفور کاکا، دکتر ابراهیم اصلانی ملایری که راهنمایی‌های ارزشمندی در مراحل نهایی کتاب نمودند، دکتر حشمت‌الله سعدی و برادر ارجمند و عزیزم، محمود اثنا عشری، دکتر مرتضی صدیقی، مهندس مجید نیکپور، مهندس جواد رضایی (در صفحه‌آرایی کتاب) و اسماعیل آریانی (در ویراستاری ادبی کتاب) و کامران صدیقی (مدیر محترم انتشارات آریاداد) هر کدام به نوعی در انجام این مهم همکاری مؤثر و ارزشمندی نمودند.

همچنین از همکاری آقایان حاج احمد ربیعی، سید حسین موسوی، محمد نقی‌خانی، حسین اثنا عشری و نبی‌الله صفاری که در روستا و منطقه، دسترسی نویسنده را به مستندات و مدارک و برخی اسناد فراهم و میسر کردند و شکرالله منصوری و غلامحسین اسدی که امکان تصویر برداری از لوازم و ادوات کشاورزی و لوازم خانگی سنتی را برایم فراهم نمودند، بسیار ممنونم. به رغم دقت و تأملی که در تنظیم و تألیف محتوای کتاب صورت گرفته است، حتماً پس از انتشار، کسری اطلاعات و نقایص موجود در پرداختن به رویدادها و شخصیت‌های آن پدیدار می‌شود و انتظارم از تک‌تک مخاطبان محترمی که کتاب را مطالعه می‌کنند، این است که در جهت تکمیل و تقویت محتوای آن، اسناد، تصاویر، خاطرات، موضوعات از قلم افتاده و حتی بازی‌های فراموش شده را یادآوری نمایند تا در چاپ‌های بعد بر کتاب افزوده شود.

نکته دیگری که پرداختن به آن ضروری است، مشاغل پیشینیان است. شاید نسل‌های بعدی این ارجمندان، موافق اشاره مستقیم به صاحبان مشاغل که نیاکان و اجدادشان بوده‌اند، نباشند که ضمن پوزش از یکایک آنان، تأکید می‌کنم که در این مبحث منظور خاصی نداشته‌ام و کوشیده‌ام روایتگر صادقی باشم که واقعیت‌ها را منعکس می‌کند. این اصل در مورد حوادث نیز صادق است و امیدوارم کدورتی را موجب نشود.

جمشید اثنا عشری

تهران، ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۰